



## Critique of Henry Corbin's Messianic Thought from the Perspective of the Quran and Hadiths\*

Received: 2023/06/29  
Accepted: 2023/08/31

10.22034/JKSL.2023.403953.1221   
20.1001.1.27833356.1402.4.4.1.8 

\*\*Seyyed Karim Khoubbin Khoshnazr  
\*\*\*Mohammad Reza Fazeli

Type of Article: Researching

### Abstract

One of the central themes garnering serious attention from Western scholars and thinkers in the realm of Islamic studies is the doctrine of messianism. Henry Corbin stands out as a highly acclaimed scholar who has placed research on the messianic doctrine at the forefront of his Islamic studies. Therefore, delving into his ideas, especially the concept of messianism, holds considerable significance. What warrants particular consideration in the Islamic thought space is the question of how far Corbin has managed to grasp the core and reality of messianic thought from the perspective of the Quran and narrations during his Islamic studies. This paper endeavors, using a descriptive-analytical approach, to examine Corbin's messianic thought and assess the alignment of his views with the teachings of the Quran and narrations. The research findings indicate that Corbin's messianic thought has positive aspects such as employing phenomenological methods in research, focusing on the emergence of Imam Mahdi (AS) as the manifest revealer of the inner dimensions of religion, considering Imam Mahdi (AS) as the manifestation of the essence of God, and challenging the illusions of fraudulent claimants. However, it also reveals negative aspects like neglecting the establishment of justice in the mission of Imam Mahdi (AS), overlooking the responsibilities of the Awaited in the realm of the mission of Imam Mahdi (AS), susceptibility to the theory of

\*. This article is taken from the master's thesis of "Mohammedreza Fazli" under the title "Critical analysis of the messianic thought of Henry Karbon and Seyyed Hossein Nasr from the perspective of the Qur'an and hadiths" which was written under the guidance of "Dr. Seyyed Karim Khoubbin Khoshnazr, Faculty of the University of Sciences and Knowledge of the Holy Quran, Tehran.

\*\* . Assistant Professor of the Department of Quranic Interpretation and Sciences at the University of Sciences and Knowledge of the Holy Quran.

\*\*\*. Master's graduate from the University of Sciences and Knowledge of the Holy Quran, Faculty of Quranic Sciences, Tehran, Iran. (Corresponding Author). [doostetabati15@gmail.com](mailto:doostetabati15@gmail.com)





the Hurqolya in describing the time and place of Imam Mahdi's (AS) life, and over-reliance on the Khutbat al-Bayan in the discussion of the perfect human. The data collection method employed in this research is library-based.

**Keyword:** Messianism, Henry Corbin, Quran, Narrations, Hurqolya cosmology.

### How to cite

Khoubbin Khoshnazar, S. K., Fazeli, M. R. (2024). Critique of Henry Corbin's Messianic Thought from the Perspective of the Quran and Hadiths. *Quran, Culture And Civilization*, 4(4), 8-29. doi: 10.22034/jksl.2023.403953.1221



## نقد اندیشه موعودگرایی هانری کربن از منظر قرآن و روایات\*



سید کریم خوب بین خوش نظر\*\*  
محمد رضا فاضلی\*\*\*

10.22034/JKSL.2023.403953.1221  
20.1001.1.27833356.1402.4.4.1.8



دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۸  
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

مقاله: پژوهشی

### چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مورد اهتمام جدی اندیشمندان و متفکران غربی در فضای مطالعات اسلامی قرار گرفته، اندیشه موعودگرایی است. هانری کربن از جمله اندیشمندان پرآوازه‌ای است که پژوهش در مورد دکترین موعودگرایی را در صدر مطالعات اسلامی خود قرار داده است و لذا پرداختن به اندیشه‌های وی، به ویژه ایده موعودگرایی، اهمیت بسزایی دارد. آنچه توجه به آن در فضای اندیشه اسلامی بسیار ضروری می‌نماید این پرسش است که کربن در سیر مطالعات اسلامی خویش، به چه میزان توانسته است به کُنه و حقیقت اندیشه موعودگرایی از منظر قرآن و روایات راه یابد؟ نوشتار حاضر کوشیده است با استمداد از روش توصیفی تحلیلی، اندیشه موعودگرایی کربن و میزان انطباق دیدگاه وی با آموزه‌های قرآن و روایات را بررسی کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اندیشه موعودگرایی کربن نقاط مثبتی مانند استفاده از روش پدیدارشناسی در پژوهش، توجه به ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه له به عنوان آشکارکننده زوایای باطنی دین، در نظر گرفتن امام عصر عجل الله تعالی فرجه له به عنوان تجلی ذات خداوند و تقض توهمات مدعیان دروغین و نیز نقاطی منفی از جمله بی‌توجهی به اقامه عدل در رسالت امام عصر عجل الله تعالی فرجه له، بی‌توجهی به وظایف منتظران در حوزه رسالت امام عصر عجل الله تعالی فرجه له، تأثیر پذیری از نظریه عالم هورقلیا در بیان زمان و مکان زندگی امام عصر عجل الله تعالی فرجه له، استناد صرف به

\*. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «محمد رضا فاضلی» تحت عنوان «تحلیل انتقادی اندیشه موعودگرایی هانری کربن و سید حسین نصر از منظر قرآن و روایات» است که با راهنمایی «دکتر سید کریم خوب بین خوش نظر» در «دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران» انجام پذیرفته است.  
\*\*. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.  
\*\*\*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران - ایران. (نویسنده مسئول)





خطبه البیان در بحث انسان کامل دارد. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای است. **واژگان کلیدی:** موعودگرایی، هانری کربن، قرآن، روایات، عالم هورقلیا.

**استناد به این مقاله:**

خوب بین خوش نظر، سید کریم، فاضلی، محمدرضا. (۱۴۰۲). نقد اندیشه موعودگرایی هانری کربن از منظر قرآن و روایات. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۴(۴)، ۸-۲۹. doi: 10.22034/jksl.2023.403953.1221





## ۱. بیان مسئله

به اندیشه موعودگرایی نه تنها در اسلام، بلکه در سایر ادیان ابراهیمی، به شکل‌های گوناگونی اشاره شده است؛ به این دلیل، متفکران و اندیشمندان حوزه مطالعات دینی، اعم از یهودیت و مسیحیت و اسلام، در این خصوص مطالعات و پژوهش‌هایی داشته‌اند. یکی از این اندیشمندان هانری کربن است که بخشی از عمر خویش را در ایران، صرف مطالعه و تحقیق و بررسی در حوزه‌های عرفان، فلسفه اسلامی، اسلام شیعی و موعودگرایی کرد و توانست با اندیشه‌ورزی‌های پر از جدّ و جهد خویش، به خوبی جایگاه خود را در بین اندیشمندان دوران معاصر پیدا کند؛ لذا پرداختن به اندیشه‌های وی در زمینه مطالعات اسلامی و به خصوص دکترین موعودگرایی، اهمیت ویژه‌ای دارد. وی همچنین توفیق یافت نتایج مطالعات پر دامنه خویش در زمینه مباحث اسلام شیعی و فلسفه و عرفان اسلامی و موعودگرایی را به جهان غرب بشناساند و افق جدیدی را برای غربیان بگشاید. پر واضح است که آموزه‌های قرآن و روایات، میزان و محک قابل اعتماد و بی‌بدیلی برای سنجش و ارزیابی آرا و اندیشه‌های بشری در حوزه مطالعات اسلامی است؛ از این رو، نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اسنادی کتابخانه‌ای منابع و داده‌ها، در صدد پاسخگویی به این پرسش است که اندیشه موعودگرایی کربن، به رغم همه مطالعات درخور توجه و قابل تقدیر وی، به چه میزان با آموزه‌های قرآن و روایات منطبق است؟ بنابراین، سنجش و بررسی اندیشه موعودگرایی کربن از منظر آموزه‌های قرآن و روایات، دغدغه و رسالت اصلی این نوشتار است. برخی از پژوهش‌های انجام شده در موضوع موعودگرایی از منظر اندیشمندان، در قالب کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات انجام شده است. در خصوص کتابها می‌توان به کتابی با عنوان ذهنیت مستشرقین: پژوهشی در اصالت اندیشه مهدویت و نقد گفتار شرق‌شناسان تألیف عبدالحسین فخاری اشاره کرد. نویسنده در این کتاب آثار اندیشمندان در موضوع مهدویت را بررسی و انگیزه‌های آن‌ها را در ارائه تفسیرهای ناصوابی که از این باور راستین ارائه کرده‌اند، پی‌جویی می‌کند. کتاب یادشده از رعایت اختصار، استناد، استحکام بحث‌ها و بیان ساده و گاهی حماسی در این خصوص برخوردار است (فخاری، ۱۳۸۵ ش، ۱۵-۱). در خصوص پایان‌نامه‌ها، می‌توان به پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی و نقد آراء مستشرقان در خصوص موعودگرایی شیعی: با تأکید بر آثار و اندیشه‌های دکتر عبدالعزیز ساشادینا نوشته فرهاد مصطفوی اشاره کرد. این پژوهش به تطبیق آرای اندیشمندان

با منابع معتبر شیعی و نظر علمای شیعه می‌پردازد و مطلب اصلی پژوهش بر نظرات دکتر ساشادینا در کتاب ایشان با عنوان عقیده مهدویت در تشیع دوازده‌امامی قرار گرفته است. مطالب این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای گردآوری و با رویکرد توصیفی تحلیلی و مقایسه‌ای تألیف گردیده است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ش، ۱-۵). در رابطه با مقالات نیز می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «پیدا و پنهان دیدگاه مستشرقان در حیطه مهدویت» نوشته مسعود حکیمیان و محمد مهدی حکیمیان اشاره کرد. نویسندگان در این مقاله به دو نظریه متفاوت از دو گروه شرق‌شناس درباره مهدویت اشاره می‌کنند. دارمستر مهدویت را اسطوره‌نگاری می‌داند و افرادی مانند فلوتن و کربن نقطه مقابل این نظریه بودند و به تقویت دیدگاه اسلام شیعی پرداختند. نویسندگان در نهایت تأکید می‌کنند که مستشرقان باید از دیدگاه قرآن و احادیث به مهدویت بنگرند (حکیمیان، ۱۳۹۷، ش، ۴۹-۶۰). به‌رغم نگارش آثار مفید و قابل‌توجه در حوزه موعودگرایی از منظر اندیشمندان غربی، با مطالعه کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات مختلف، معلوم می‌شود، اثری که به بررسی اندیشه موعودگرایی هانری کربن از منظر قرآن و روایات پرداخته باشد، تاکنون مورد توجه محققان قرار نگرفته است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

«مهدویت» از نظر لغوی مصدر جعلی از اسم «مهدی» و در واقع ناظر به امام غایب است. این واژه در اصطلاح به معنای اعتقاد و باور به وجود امام عصر عجل الله فرجه و نیز اندیشه‌ای است که منتسب به امام زمان عجل الله فرجه باشد (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۵، ۶۱۶). «موعود» اسم مفعول و به معنای «وعده‌داده‌شده» است. تعبیر «وَالْيَوْمَ الْمَوْعُودِ»<sup>۱</sup> در قرآن کریم اشاره به روز قیامت است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶، ش، ۸۷۶). «موعود مصدر به معنی وعده، نوید دادن، لقبی از القاب حضرت صاحب‌الزمان عجل الله فرجه» است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ۱۹۲۶۸). «موعودگرایی» به معنای معتقد بودن به ظهور مسیح به‌عنوان نجات‌دهنده یا آزادی‌بخش فرقه‌ای از مردم<sup>۲</sup> و باور داشتن موعود به‌عنوان نجات‌دهنده است (باقرنژاد، ۱۳۹۷، ش، ۱۶). موعودگرایی در ادیان یهودیت و مسیحیت و اسلام اسامی متفاوتی دارد. یهودیان منجی موعود را «ماشیح»<sup>۳</sup> نامیده‌اند

۱. «وَالْيَوْمَ الْمَوْعُودِ» (بروج: ۲).

۲. www.dictionary.com

Masih. 3



که به معنای «تدهین شده» است. در مسیحیت منجی موعود را «مسیحا» نامیده‌اند که ترجمه عبری واژه «ماشیح» است و دلالت بر پادشاهی می‌کند و به سلطنت او با مسح روغن مقدس اشاره دارد. موعود در اسلام با القاب «مهدی» یعنی هدایت‌شده و «قائم» به معنای قیام‌کننده آمده است (صبغیان، ۱۳۸۵ ش، ۳۰).

### ۳. مؤلفه‌های موعودگرایی در دیدگاه کربن

کربن در میان اندیشمندان، نظرات مهم و قابل توجهی را در موضوع موعودگرایی مطرح کرده است. موعودگرایی از منظر کربن ساختار و انتظام معنایی و محتوایی مشخصی دارد و روش پژوهشی وی در این خصوص «پدیدارشناسی» است.

#### ۳-۱. پدیدارشناسی

برخی متفکران در حوزه موعودگرایی با روش تاریخی‌گری پژوهش کرده‌اند؛ اما روش کربن در این حوزه پدیدارشناسانه است. به گفته هایدگر، در پدیدارشناسی سعی می‌کنیم موقعیتی فراهم کنیم تا خود شیء خود را نشان دهد و با مفاهیم نارسا و مبهم، در خفا و حجاب نیفتند. برای مثال، وقتی یک مرد جنگلی از جنگل صحبت می‌کند، یا یکی از ساکنان کویر از کویر سخن می‌گوید، باید پرسید آن جنگل و آن کویر برای آن‌ها چگونه پدیدار می‌شود؛ نه اینکه ما به آن‌ها از ورای مفاهیم پیش ساخته شده بنگریم و تأویل نکنیم (کوروز، ۱۳۷۸ ش، ۲۶-۲۵). یا به تعبیر آنه ماری شیمل، محقق در روش پدیدارشناسانه می‌کوشد با این روش به کانون یک دین وارد شود و به درونی‌ترین امر مقدس هر دین دست یابد (شیمل، ۱۳۷۶ ش، ۳۶). کربن در این روش به جای آنکه نظرات و باورهای خود و غیرمسلمانان را در خصوص موعودگرایی در نظر بگیرد و با این پیش فرض وارد بحث شود، موعودگرایی را در خود آموزه‌ها و منابع اسلامی و آرای علمای تشیع بررسی می‌کند.

#### ۳-۲. شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

کربن شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را این گونه معرفی می‌کند:

امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای حواس ظاهری ناپیدا، ولی حاضر در قلب مؤمنان است. او که فرزند امام یازدهم امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه و نرجس از امیرزادگان بوزانطیه (بیزانس) است و در

قلب ارادت شیعیان پارسا و تأمل حکما قرار دارد. او را امام منتظر، مهدی و قائم قیامت نیز نامیده‌اند (کربن، ۱۳۷۷ش، ۱۰۳).

وی، معتقد است، امام مظهر وجود باری تعالی و تجلی ذات خداوند است و تذکر می‌دهد که این مظهریت نباید با مفهوم تجسد خداوند که در حکمت الهی دین مسیح مقبول است، اشتباه گرفته شود؛ زیرا اگر این دو مفهوم از هم تفکیک نشود، ممکن است همان انحرافی که برای مسیحیت در مباحث کلامی و ایدئولوژی با طرح عقیده تثلیث پدید آمد، برای اسلام نیز پدید آید. کربن در ادامه متذکر می‌شود که نزد شیعه امامیه، مظهریت مزبور، در شخصیت‌های مقدس دوازده امام است که آخرین آن‌ها در سنین کودکی با غایب شدن خود، تلاش قدرت‌های اهریمنی را که به نابود ساختن ثروت معنوی امامت روی کره زمین کمر بسته بودند، نقش بر آب ساخت. هرچند ما اکنون در زمان غیبت کبرای امام زیست می‌کنیم، امام غایب، سرور پنهان و حاضر زمان ماست و امروزه کلیه شیعیان ایران، روی دل به سوی او و صورت نورانی وی دوخته‌اند و از صمیم قلب او را دوست می‌دارند و به او متوجه هستند (کربن، ۱۳۸۴ش، ۲۱۲). در ادامه، کربن به تشخیص شخصیت امام عصر عجله الله تعالی فرجه از مدعیان دروغین اشاره می‌کند و در مقاله‌ای در باب «امام دوازدهم» بیان می‌کند: هر نوع توهمات مذهبی مانند بهائیت که منجر به مشابهت با امام منتظر گردد، به‌عنوان سوء قصد ضد مذهبی بر ضد ایمان نسبت به امام زمان تلقی می‌شود؛ زیرا آنان باور دارند امام زمان عجله الله تعالی فرجه برای اداره عالم نیازمند یک جانشین است که آن باب و نماینده ایشان است. آنان در نهایت، مدعیان دروغین خود را در ابتدا باب امام زمان عجله الله تعالی فرجه و به تدریج خود امام زمان عجله الله تعالی فرجه معرفی می‌کنند و هر چه جمعی از اتباع و مریدان مدعیان دروغین برای اقناع مردم بکوشند، مردم تناقضات و تضادهای ایشان را بیشتر رسوا و برملا می‌سازند؛ زیرا هنگامی که امام عصر عجله الله تعالی فرجه ظهور کند، دیگر نیازی به اثبات امری وجود نخواهد داشت و اعمال امام عصر عجله الله تعالی فرجه خود دال بر حقانیت او خواهد بود (کربن، ۱۳۸۴ش، ۳۲۷).

### ۳-۳. رسالت حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه

هانری کربن رسالت ائمه معصومین علیهم السلام به خصوص امام عصر عجله الله تعالی فرجه را متفاوت با روش‌هایی که مسیحیان به کار گرفته‌اند، می‌داند و بیان می‌دارد:





در آخرالزمان، تعلیم یعنی کار ارشاد خلق که خاص امام زمان علیه السلام است و با کاری که اربابان کلیسا می‌کنند، قابل قیاس نیست. امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور، با توجه به اینکه برخوردار از الهامات غیبی است، از این طریق مردم را با حقایق آشنا می‌کند و تعلیم او تعالیم حقایق و معانی و زوایای باطنی دین است؛ یعنی دین را از تحریف‌ها و خرافات و تفسیرهای نادرست افراد خارج می‌سازد (کربن، ۱۳۸۴ ش، ۲۴۰).

همچنین وی ظهور امام عصر علیه السلام را روشن‌کننده حقایق دین می‌داند (همو، ۱۳۹۴ ش، ۳۲).

### ۳-۴. زمان و مکان زندگی امام عصر علیه السلام

کربن برای بیان زمان و مکان زندگی امام زمان علیه السلام، از نظرات سهروردی درباره عالم مثال و عالم هورقلیا تأثیر پذیرفته است. وی همچنین در مورد دیدار با امام زمان علیه السلام معتقد است که دیدار عارفان و افراد باتقوا با ایشان در این عالم به وقوع نپیوسته و در عالم وسط و میانه اتفاق افتاده است که هرچه هست عالمی غیر از این عالم دنیایی و جسمانی است. درواقع کربن که تحت تأثیر دیدگاه‌های باطن‌گرایی است و مسئله موعودگرایی را با روش پدیدارشناسانه بررسی کرده است، به صورت توصیفی در تلاش است در درون عرفان اسلامی به فهمی از موعودگرایی دست پیدا کند و هیچ تحلیلی از خود نیآورده است؛ بلکه موعودگرایی را در درون آموزه‌های عرفان اسلامی خصوصاً عرفان شیعی و در نظرات عرفا و حکما و فلاسفه اسلامی بررسی کرده است (نک: موسوی گیلانی، ۱۳۸۷ ب، ۱۷). کربن معتقد است، روشی که ائمه معصومین علیهم السلام برای هدایت معنوی مردم به کار می‌گیرند، کاملاً با آنچه در ادیان دیگر از آن برای هدایت مردم استفاده می‌کنند متمایز است؛ به‌خصوص در زمان ظهور امام عصر علیه السلام، با توجه به اینکه ایشان از الهامات و امدادهای الهی برخوردار است، می‌تواند مردم را با حقایق آشنا کند (کربن، ۱۳۸۴ ش، ۲۴۰).

### ۳-۵. انسان کامل

به گفته کربن، شیعیان در حال حاضر تحت هدایت امام عصر علیه السلام هستند و ایشان در بین مردم حضور دارد، اما ظهور ندارد (کربن، ۱۳۶۷ ش، ۱۳۳-۴۹۰). معنای این سخن آن است که می‌توان جایگاه وجودی امام را با عنوان جایگاه «انسان کامل» بیان کرد که علت نهایی عالم است (کربن، ۱۳۹۱ ش، ۴۹۰). کربن وقتی از انسان کامل سخن به میان می‌آورد، به خطبه‌البیان اشاره می‌کند؛

چراکه در این خطبه، امام و انسان کامل یکی هستند؛ وی نیز بیان می‌کند: «امام‌شناسی شیعه تأییدکننده اتصال خویش با پایه‌های الهیاتی انسان آسمانی است که هم عرفان‌های پیش از آن، با این موضوع آشنای دارند» (کربن، ۱۳۹۴ ش، ۲۲۹). خطبه‌البیان که منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام است در کتاب مشارق أنوار الیقین حافظ رجب بررسی آمده است. همچنین به گفته کربن، امام علیه السلام زمانی ظهور خواهد کرد که قلب‌های انسان‌ها دگرگون شود و این ظهور به صورت تدریجی مشروط به ایمان پیروان و وجود آن‌ها است. کربن درباره ظهور امام عصر علیه السلام معتقد است، وقتی ایشان ظهور کند، شریعت جدیدی نخواهد آورد؛ بلکه معنای پنهانی وحی‌ها و باطن دین را روشن خواهد کرد. به بیان دیگر، ظهور امام عصر علیه السلام حدّ اعلی و نهایت انسانیت و به معنای ظاهر کردن همان باطن انسان زنده است. وی همچنین عصر ظهور قائم آل محمد علیه السلام را همان عصر انسان کامل می‌داند (کربن، ۱۳۹۴ ش، ۱۷۸).

#### ۴. سنجش اندیشه موعودگرایی هانری کربن از منظر قرآن و روایات

##### ۱-۴. نقاط مثبت

پیش از سنجش آرای هانری کربن، شایسته است نقاط مثبت دیدگاه او را در شناخت تشیع و موعودگرایی بیان کنیم.

##### ۱-۱-۴. روش پژوهشی

روش کربن در پژوهش، برخلاف اندیشمندان دیگر که از روش تاریخی‌گری بهره برده‌اند، روش پدیدارشناسانه است. این روش از آن جهت برای وی یک نقطه مثبت تلقی می‌شود که به جای آنکه موضوعی را اثبات یارد کند و به بررسی صدق و کذب آن پردازد، چگونگی توصیف آموزه‌های دینی در تفسیر کتاب و سنت یا نظرات عالمان و عارفان شیعی را بیان می‌کند. درواقع کربن به جای پرداختن به اظهارات سلیقه‌ای و نظرات شخصی خود در مورد موعودگرایی، کارکرد و نقش آن را در درون نظام اعتقادی و آموزه‌های دینی و فکری اسلام به‌خصوص تشیع توصیف می‌کند (نک: موسوی گیلانی، ۱۳۸۷ الف، ج ۱، ۱۷).



#### ۱-۲. ظهور امام عصر عجل الله فرجه؛ آشکارکننده زوایای باطنی دین

به عقیده کربن، با توجه به اینکه امام عصر عجل الله فرجه از الهامات و امدادهای الهی برخوردار است، می‌تواند در دوران ظهور، مردم را با واقعیت و زوایای باطنی دین مواجه کند. این جمله به این حقیقت اشاره می‌کند که امام عصر عجل الله فرجه با ظهور خود، دین اسلام را از میان انبوه خرافات، تحریف‌ها، بدعت‌ها، تفسیرهای نادرست و تلقی‌های غلط و سلیقه‌ای برخی افراد خارج می‌کند.

#### ۱-۳. امام عصر عجل الله فرجه؛ تجلی ذات خداوند

کربن در بیان شخصیت امام عصر عجل الله فرجه به نکته مهمی اشاره می‌کند که از نقاط مثبت دیدگاه موعودگرایی وی است. آن نکته این است که امام منتظر، مظهر وجود و ذات خداوند متعال است؛ اما باید بین این مفهوم با مفهوم تجسد خداوند در دین مسیح تفکیک قائل شد و این مظهریت امام عصر عجل الله فرجه را که در شخصیت‌های ائمه پیش از ایشان نیز وجود داشت نباید به همان مفهوم تجسد مسیحیت گرفت؛ زیرا اگر بین این دو مفهوم تفکیک نشود، ممکن است همان انحرافی که برای مسیحیت در مباحث کلامی و ایدئولوژیک و شکل‌گیری عقیده تثلیث پدید آمد، برای اسلام نیز پدید آید.

#### ۱-۴. نقض توهمات مدعیان دروغین

کربن باورها و نظرات مدعیان دروغین را یک دیدگاه ناپسند و ضد مذهبی نسبت به امام عصر عجل الله فرجه می‌داند. دلیل مثبت بودن این نظر کربن آن است که او توهمات مدعیان دروغینی مانند بهائیت را که باور دارند امام عصر عجل الله فرجه برای اداره عالم نیازمند یک جانشین است و او باب و نماینده ایشان است و در نهایت هم خود را ابتدا باب آن حضرت و به تدریج خود امام عصر عجل الله فرجه معرفی می‌کنند، نقض می‌کند. کربن معتقد است بهائیان در نهایت در این امر از دیدگاه شیعیان شکست خورده‌اند؛ زیرا هرچه در این زمینه تلاش کنند، نمی‌توانند شیعیان را تحت تأثیر قرار دهند و شیعیان مدعیان دروغین را رسوا می‌کنند. همچنین اعمال خود امام عصر عجل الله فرجه در هنگام ظهور دلیلی بر حقانیت ایشان و رد نظرات مدعیان دروغین خواهد بود.

به‌رغم نقاط مثبت یادشده در اندیشه موعودگرایی هانری کربن، در عین حال او از برخی جوانب

موعودگرایی از منظر آموزه‌های قرآنی و روایات غفلت کرده است که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌کنیم.

#### ۴-۲. نقاط منفی

#### ۴-۲-۱. بی‌توجهی به اقامه عدل در رسالت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

هانری کربن رسالت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در زمان ظهور را فقط به تعلیم حقایق و معنای باطنی دین منحصر می‌کند و از جنبه قیام ایشان علیه ظلم و ستم و اقامه عدل غفلت کرده است؛ این در حالی است که این موارد از آموزه‌های مورد تأکید قرآن و روایات است. عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم در جوامعی که از منتظران قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هستند امری ضروری و متناسب با اصل انتظار است. اقامه امور یادشده در سطح اجتماعی، پیش و پس از ظهور، مورد توجه آموزه‌های قرآن و روایات قرار گرفته است. در تفسیر البرهان در توضیح آیه ۴۱ سوره حج<sup>۱</sup> چنین آمده است:

خداوند به وسیله مهدی و اصحاب او مشرق و مغرب عالم را مورد تصرف قرار می‌دهد، دین را آشکار و بدعت‌ها را نابود می‌سازد؛ به گونه‌ای که اثری از ظلم دیده نشود. آن‌ها به امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازند و سرانجام امور به دست خداست (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ۸۹۲).

نیز در روایتی امام صادق علیه السلام درباره عصر غیبت می‌فرماید: «لَيُعِدَّنَ أَحَدَكُمْ لِحُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا»: هر یک از شما باید خود را برای قیام قائم مهیا سازد؛ اگرچه به داشتن یک نیزه (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ۳۲۰). با عنایت به آیه ۴۱ سوره حج و روایت امام صادق علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و یارانشان برای نبردی که شرق و غرب دنیا را در بر می‌گیرد، آماده می‌شوند و ستم را از بین می‌برند و عدالت را در جامعه مستقر می‌کنند.

#### ۴-۲-۲. بی‌توجهی به وظایف منتظران

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، کربن در بیان دیدگاه خود درباره موعودگرایی به رسالت امام

۱. «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱).



عصر رَبِّكَ اشاره می‌کند، اما نکته‌ای در خصوص وظایف فردی و اجتماعی منتظران بیان نمی‌کند؛ در حالی که وی می‌توانست به یکی از مفاهیم مانند صبر در آیات قرآن کریم و روایات بپردازد. مثلاً خداوند در آیه ۲۰۰ سورة آل عمران،<sup>۱</sup> صبر را پایداری در برابر سختی‌ها و نامایمات زندگی و خویشتن‌داری از شکایت به غیر خدا معرفی می‌کند و صابر را کسی می‌داند که در صحنه‌های گوناگون آزمون، مانند انجام طاعت و پرهیز از معصیت و در تلخی مصیبت، بردباری و پایداری کند. در میان اقسام معهود صبر، صبر بر طاعت صبغة تقدّم و سببیت دارد و به انسان توان صبر در مصیبت و صبر بر معصیت می‌دهد. امام باقر علیه السلام در تبیین این آیه در ارتباط با عصر غیبت می‌فرماید: «بر انجام واجبات الهی صبر و در برابر دشمنان پایداری کنید و مراقب امامتان [که به انتظارش هستید] باشید.» (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ۱۹۹) همچنین امام رضا علیه السلام درباره همراهی و ملازمت صبر و انتظار فرج در عصر غیبت می‌فرماید: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَأَتْطَارَ الفَرَجَ.»: صبر و انتظار فرج چقدر نیکوست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ۶۲۹).

#### ۴-۲-۳. تأثیر پذیری از نظریه عالم هورقلیا در بیان زمان و مکان زندگی امام زمان علیه السلام

در تبیین دیدگاه هانری کربن در موضوع طول عمر امام زمان علیه السلام با استناد به عالم هورقلیا و به لحاظ مفهوم امکان منطقی و فلسفی، می‌توان ادعا کرد که عقل بشر به فراخور فهم و دریافتش از قوانین پیشینی، یعنی پیش از تجربه، دلیلی نمی‌یابد که آن مورد را غیر ممکن و ناشدنی به شمار آورد. برای مثال، تقسیم سه پرتقال به دو قسمت مساوی بدون اینکه یکی از آن‌ها نصف شود، امکان منطقی و عقلی ندارد؛ چراکه عقل، قبل از پرداختن به هر تجربه‌ای می‌فهمد که سه عددی فرد است نه زوج؛ پس ممکن نیست که بتوان آن را به گونه‌ای مساوی تقسیم کرد؛ زیرا این کار به معنای زوج بودن آن است. از طرفی، اینکه ادعا شود چیزی (مثل عدد سه) به صورت همزمان هم فرد و هم زوج باشد، امری متناقض و از لحاظ منطقی محال است. اما برای مثال، اینکه انسان پا در آتش بگذارد و نسوزد یا تا خورشید اوج بگیرد، از نظر منطقی غیر ممکن نیست؛ زیرا در جایی که سخن از امکان منطقی و ناظر به قوانین پیش از تجربه است و عقل نیز ادعای سرایت نکردن حرارت از جسم دارای دمای بیشتر (آتش) به جسم دارای دمای کمتر (انسان) را ممکن و مجاز می‌شمارد، ادعایی تناقض آمیز مطرح نشده است؛ بنابراین، عقل آدمی تنها در جایی ادعای تناقض

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰).

می‌کند که سخن از امکان منطقی نباشد. به صورت پسینی (پس از تجربه) نیز اثبات شده است که حرارت از جسم دارای دمای بیشتر (آتش) به جسم دارای دمای کمتر (انسان) تا زمان تساوی دمای دو جسم سرایت می‌کند؛ پس ادعای پای نهادن انسان در آتش و نسوختن او، در فرض امکان منطقی، ادعایی تناقض‌آلود نیست؛ لیکن همین ادعای پای نهادن در آتش و نسوختن، در فرض تجربه‌پسینی و عملی، ادعایی کاملاً متناقض است. بدون شک گسترش عمر انسان تا هزاران سال از نظر منطقی امکان دارد؛ زیرا این مطلب از منظر عقلانی محض غیرممکن نیست. تناقض در فرض چنین چیزی وجود ندارد؛ زیرا بدون شک زندگی به‌عنوان یک مفهوم در داخل خود، معنای مرگ سریع را به همراه ندارد. طولانی بودن عمر انسان و بقای وی در طول قرون، چیزی است که از منظر عقلی و منطقی اثبات شده است (صدر، ۱۳۹۸ش، ۵۰-۴۴). در اینجا به نمونه‌هایی از مصادیق طول عمر در قرآن کریم اشاره می‌کنیم.

خداوند در آیه ۱۴ سوره عنکبوت<sup>۱</sup> می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا»: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنها هزار سال، به جز پنجاه سال، درنگ کرد. تعبیر به «هزار سال به جز پنجاه سال»، درحالی‌که ممکن بود از اول ۹۵۰ سال بگوید، برای اشاره به عظمت و طول این زمان است؛ زیرا عدد «هزار» آن هم به صورت «هزار سال» برای مدت تبلیغ عدد بسیار بزرگی محسوب می‌شود. اصولاً قوم نوح چنان‌که از بعضی مدارک به دست می‌آید عمر طولانی داشتند و در این میان خود نوح نیز فوق‌العاده بود. ضمناً این نشان می‌دهد که ساختمان وجود انسان به او امکان عمر طولانی می‌دهد. مطالعات دانشمندان امروز نیز نشان داده است که عمر انسان حد ثابت و معینی ندارد و با تغییر شرایط، ممکن است کاملاً دگرگون شود. هم‌اکنون توانسته‌اند به‌وسیله آزمایش‌هایی عمر پاره‌ای از گیاهان یا موجودات زنده دیگر را به دوازده برابر عمر معمولی و حتی در بعضی از موارد به نهصد برابر برسانند و اگر موفق شوند که با همین معیار عمر انسان را افزایش دهند، ممکن است انسان هزاران سال عمر کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۶، ۲۳۰-۲۲۹).

همچنین خداوند در سوره کهف به داستان اصحاب کهف اشاره می‌کند. خواب اصحاب کهف خوابی معمولی نبود. اگر کسی آن‌ها را می‌دید، گمان می‌کرد آن‌ها بیدارند؛ زیرا همانند

۱. «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ» (عنکبوت: ۱۴).



انسان بیدار چشمانشان باز بود. در واقع آن‌ها با چشمان باز خوابیده بودند. این شرایط غیرعادی به این دلیل بود که موجودات و حیواناتی موزی به آن‌ها نزدیک نشوند و آسیب نرسانند؛ زیرا حیوانات موزی از انسان بیدار می‌ترسند، یا اینکه صحنه‌ای ترسناک ایجاد شود تا هیچ انسانی به خود جرأت نزدیک شدن به آن‌ها را ندهد. این شرایط برای آن‌ها نوعی حفاظت محسوب می‌شد. در ادامه خداوند متعال آن‌ها را به سمت راست و چپ می‌گرداند تا به خاطر گذر سالیان دراز از این خواب طولانی اندام‌های آن‌ها نپوسد و خون در بدنشان در یک‌جا جمع نشود و فشاری بر روی اندام‌هایشان که روی زمین قرار داشت، وارد نشود و آسیبی زیان‌باری نبینند. به خواست خداوند متعال، خواب اصحاب کهف آن قدر طولانی شد که ۳۰۹ سال طول کشید و به این خاطر خواب آن‌ها مشابه مرگ و بیداری آن‌ها مانند رستاخیز بود؛ لذا خداوند در آیه ۱۹ سوره کهف می‌فرماید: «اینگونه، یعنی همان‌طور که قادر بودیم اصحاب کهف را در خوابی طولانی فرو ببریم، همچنین قادر بودیم آن‌ها را مجدداً بیدار کنیم، آن‌ها را برانگیختیم تا از همدیگر سؤال کنند. یکی از آن‌ها پرسید: چه مدت خوابیده‌اید؟ گفتند: یک روز یا بخشی از روز.» این تردید شاید به این دلیل بوده است که به گفته جمعی از مفسران، آن‌ها زمانی وارد غار شدند که آغاز روز بود و به خواب رفتند و زمانی بیدار شدند که پایان روز بود. به همین خاطر چنین تصور کردند که یک روز خوابیدند و همان‌طور که آفتاب را دیدند، گمان کردند که بخشی از یک روز را خوابیده‌اند. در نهایت چون نتوانستند به صورت دقیق به مدت خوابشان پی ببرند، گفتند: «پروردگارتان از مدت خواب شما آگاه تر است.» (همان، ج ۱۲، ۳۷۳-۳۶۹). همان‌طور که اشاره شد، آن‌ها سیصد سال در غار درنگ کردند و نه سال نیز بر آن افزوده شد (کهف: ۲۵)؛ بنابراین، مجموع طول خواب آن‌ها در غار سیصد و نه سال بود.<sup>۱</sup>

همچنین در آیه ۲۵۹ سوره بقره<sup>۲</sup> داستان عزیر نبی علیه السلام آمده است. او یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود که در سفری به هنگام عبور از شهری ویرانه که مردمانش مرده بودند، از خداوند متعال

۱. البته برخی معتقدند، تعبیر «سیصد سال و نه سال بر آن افزوده شد» به جای «۳۰۹ سال»، نشان‌دهنده اختلاف سال شمسی و قمری است؛ زیرا آن‌ها از نظر سال شمسی سیصد سال و از نظر سال قمری سیصد و نه سال توقف کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۲، ۳۹۲).

۲. «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَيَّ فَرَزِيَّةَ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَيَّ عُرُوشِهَا قَالَ أَنِّي يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَيَّ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَيَّ جَمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَيَّ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَعَلَّكُمْ أَتَّعِبْتُمْ لَهَا قَالُوا أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۲۵۹).

در خصوص زنده شدن مردگان سؤال پرسید. خداوند متعال جان او را در همان لحظه گرفت و پس از صد سال دوباره زنده‌اش کرد. سپس خطاب به او پرسید یا این پرسش از درون خود او برخاست: «چه مدت در این مکان توقف کرده‌ای؟» عَزِيز پاسخ داد: «یک روز یا نصف روز.» خداوند متعال یا هاتف غیبی به او گفت: صد سال است که مرده‌ای. عزیر در پی این پاسخ یا پس از رفتن به دیدار اهل و خاندان خود و مشاهده نشانه‌هایی از کودکان، نوزادان و افراد سالمند هم‌سن و سال خود به مرگ صدساله‌اش پی برد. سپس به او گفته شد که اگر می‌خواهد به قدرت بی‌انتهای خداوند متعال پی ببرد، غذا و نوشیدنی خود را ملاحظه کند و ببیند با اینکه آن‌ها فاسدشدنی است، کوچک‌ترین تغییری نکرده و سالم مانده است. همچنین به او گفته شد: «به الاغ خود بنگر که پوسیده و متلاشی شده و خداوند متعال آن را زنده می‌کند و استخوان‌های آن را به پا می‌دارد و بعد بر روی آن گوشت می‌پوشاند.» زمانی که این عزیر به قدرت پروردگار جهانیان پی برد، اعتراف کرد که خداوند توانا بر هر چیزی است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۲، ۲۶۰-۲۵۹).

همچنین در روایتی از حبابه و البیه، زنی از والیه یمن، نقل شده است که به امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد: خدایت رحمت کند، دلیل بر امامت چیست؟» فرمود: «آن سنگریزه را بیاور.» و با دست به سنگریزه‌ای اشاره کرد. آن را نزدش آوردم. پس با خاتم‌ش آن را مهر کرد و سپس به من فرمود: «ای حبابه، هرگاه کسی ادعای امامت کرد و توانست چنان‌که دیدی مهر کند، بدان که او امامی است که اطاعتش واجب است؛ نیز آنکه امام هرچه را بخواهد، از او پنهان نگردد.» حبابه گوید: بعد از وفات امیرالمؤمنین علیه السلام، نزد امام حسن علیه السلام و یک‌به‌یک امامان بعد از ایشان رفتم تا اینکه خدمت حضرت رضا علیه السلام آمدم و ایشان هم برایم مهر کرد. چنان‌که محمد بن هشام نقل کرده است، حبابه بعد از آن نُه ماه دیگر هم زنده بود (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴، ۲۵۳-۱۵۲).

از بعد عقلی و منطقی و با توجه به نمونه‌هایی که در آیات فوق و روایت حبابه و البیه آمده است در می‌یابیم، خداوند متعال بر هر چیزی تواناست و طول عمر امام زمان علیه السلام هم به اراده خداوند محقق شده است.

هانری کرین در راستای توضیحاتی که در مورد عالم مثال و عالم هورقلیا می‌دهد، در تلاش است بسیاری از وقایع و تجربیات افراد باتقوا و عالمانی را که موفق به دیدار امام زمان علیه السلام شدند، در جهانی فراتر از این عالم مادی نشان دهد. او با کمک اندیشه عالم مثال و هورقلیا به این مهم





می‌پردازد و به دیدگاه عالمان دینی شیعه که ملاقات‌ها و مکاشفه‌های تشریف‌یافتگان به خدمت امام عصر علیه السلام را در عصر غیبت و در این دنیای مادی امکان‌پذیر می‌دانند، هیچ عنایتی نمی‌کند. از کربن انتظار می‌رفت تا با عنایت به قرآن کریم و با تأمل بیشتر، ملاقات‌ها و مکاشفه‌های بعضی از تشریف‌یافتگان به محضر امام زمان علیه السلام را در کتاب‌های مختلف، از جمله کمال الدین شیخ صدوق و نجم الثاقب طبرسی نوری و بسیاری دیگر از عالمان شیعی، مطالعه و به دور از تأثیرپذیری از نظریه عالم هورقلیا در این رابطه اظهار نظر می‌کرد. گفتنی است عالمان شیعی یادشده کوشیده‌اند در آثار خود، زندگی امام عصر علیه السلام و ملاقات ایشان با تشریف‌یافتگان به محضرشان را در همین دنیای مادی و جسمانی و در عصر غیبت اثبات کنند. در اینجا برای روشن شدن موضوع به یکی از این ملاقات‌ها، یعنی ملاقات امام عصر علیه السلام با علامه حلی که در این دنیا رخ داده است، اشاره می‌کنیم:

یکی از علمای اهل سنت در ردّ مذهب تشیع کتابی تألیف کرد و در مجالس و محافل آن را برای مردم می‌خواند و آنان را گمراه می‌کرد. وی به خاطر اینکه حتی علمای تشیع رديه‌ای برای کتابش نویسند، کتابش را به فردی امانت نمی‌داد. علامه حلی همیشه به دنبال راهی بود که کتاب را به دست آورد تا بتواند کتابی در ردّش بنویسد. او رابطه استاد و شاگردی را وسیله قرار داد و پس از جلب اطمینان استاد، از عالم سنی درخواست کرد حداکثر یک شب این کتاب را به وی قرض دهد. استاد اجازه داد که علامه به مدت یک شب آن را در اختیار داشته باشد. علامه حلی همان مدت کم را نیز غنیمت شمرد. کتاب را از او گرفت و آن شب تا جایی که می‌توانست از آن نسخه‌برداری کرد. علامه تا نیمه‌های شب مشغول نسخه‌برداری از کتاب بود و هنگامی که شب به نیمه رسید، خواب بر او غلبه کرد تا جایی که توانایی ادامه کار را نداشت. در این هنگام، مردی به اتاق وارد شد و گفت: «اجازه دهید مقدار باقی مانده این کتاب را من بنویسم و شما استراحت کنید». علامه حلی پس از اطمینان از کمک فرد ناشناس به خواب عمیقی فرو رفت، هنگام اذان صبح از خواب بیدار شد و وقتی کتاب را گشود، در عین ناباوری دید ادامه کتاب توسط آن مرد ناشناخته نوشته و در پایان با نام «کتبه الحجة» امضا شده است. (شوشتري، ۱۳۹۳ش، ۵۷۱).

بنابراین، ملاقات جسمانی و ظاهری در این دنیای مادی با امام زمان امکان‌پذیر است. این

حکایت راستین، نشان می‌دهد که امام زمان علیه السلام در همین دنیای مادی علاوه بر دیدار با علامه حلی به اتمام کتابت ایشان کمک کردند و دست به قلم بردند. این موضوع می‌تواند پاسخی در رد ادعای کرین باشد که معتقد است دیدار با امام عصر علیه السلام در این عالم امکان‌پذیر نیست و باید در یک مکان و زمان دیگری غیر از این عالم دنیایی و جسمانیت صورت پذیرد.

#### ۴-۲-۵. خطبه‌البیان و انسان کامل

همان‌طور که اشاره شد، کرین به بُعد باطنی تشیع توجه بسیاری دارد و در این راستا به روایاتی اشاره می‌کند که نشان‌دهنده حکمت و معنویت است. از طرفی هر زمان که کرین می‌خواهد از انسان کامل صحبت کند، به خطبه‌البیان اشاره می‌کند؛ چراکه در این خطبه امام و انسان کامل یکی هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰). این خطبه یکی از خطبه‌های منسوب به حضرت علی علیه السلام است که مجادلات زیادی برپا کرده است و در زمان‌های مختلف موافقان و منتقدانی داشته است. علامه مجلسی به‌عنوان یکی از منتقدان، به کتاب مشارق أنوار الیقین انتقاد می‌کند؛ زیرا مطالب آن را نامعقول و افراطی و غلوآمیز قلمداد می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۵۲). در میان موافقان می‌توان به علامه امینی اشاره کرد که از کتاب یادشده دفاع می‌کند و معتقد است حافظ رجب بُرسی از دانشمندان و عارفان امامی و از فقیهانی است که در چند دانش تبحر داشته است. بُرسی در ارادت و محبت به اهل بیت علیهم السلام اعتقادات و نگرش‌هایی داشته که مورد پسند برخی نیست و به همین خاطر وی را تندرو و افراطی می‌شمارند؛ ولی بُرسی در خصوص جایگاه اهل بیت علیهم السلام همه‌جا دچار افراط و تندروری نمی‌شود (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ۵۰).

مباحث مربوط به حکمت و معنویت که ناظر به باطن دین است، از منظر کرین اهمیت ویژه‌ای دارد. او هر جا از انسان کامل سخن به میان می‌آورد، صرفاً به خطبه‌البیان استناد می‌کند. با توجه به اینکه خطبه‌البیان موافقان و مخالفانی دارد، بهتر بود کرین در کنار استناد به آن در بحث انسان کامل، به آیاتی از قرآن کریم و روایاتی در این خصوص نیز اشاره می‌کرد. البته شایان ذکر است، گرچه در قرآن کریم و روایات به اصطلاح «انسان کامل» تصریح نشده است، می‌توان مفهوم آن را از آیات و روایاتی که به «خليفة الله»، «امام»، «ولی الله» و «صاحب الزمان» اشاره می‌کند، برداشت کرد (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۶۱ش، ۵۷). در اینجا برای مثال به دو مفهوم «خليفة الله» و «امام» در قرآن کریم و روایات می‌پردازیم.



قرآن کریم حضرت آدم علیه السلام و انسان‌های دیگر را خلیفه خدا در زمین معرفی نموده است؛ به طوری که صفات و ویژگی‌های او پرتوی از صفات پروردگار باشد. بی تردید انسان‌هایی می‌توانند خلیفه خدا در زمین باشند که در ویژگی‌های کمال انسانی سرآمد باشند. اما قرآن کریم در خصوص مفهوم امام می‌فرماید: «به خاطر بیاور، هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگون آزمود و او به خوبی از عهده برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام قرار دادم.»<sup>۱</sup> (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ۴۴۶)

همچنین در روایتی، امام رضا علیه السلام از امامت به‌عنوان خلافت الهی و خلافت انبیا یاد می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةَ اللَّهِ وَخِلَافَةَ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله» (کلینی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ۱۵۵). منظور از «خلیفة الله» در کلام امام علیه السلام همان انسان کامل است؛ زیرا در عرفان اسلامی، اصطلاح «خلیفة الله» با همه ویژگی‌هایش، بر انسان کامل اطلاق می‌شود؛ بنابراین، از آنجا که معیار خلافت الهی علم به اسما و صفات است و از سویی آگاهی به اسما و صفات الهی نیازمند استقامت در مسیر بندگی است و همه انسان‌ها بالفعل در مسیر بندگی استقامت ندارند، مقام خلافت الهی در همه انسان‌ها تحقق و فعلیت ندارد؛ بلکه در انسان کامل که همان امام است به فعلیت می‌رسد (رجبی، ۱۳۷۹ ش، ۱۲۴-۱۲۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴).

## نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین موضوعات مورد اهتمام پاره‌ای از اندیشمندان غربی در عرصه مطالعات اسلامی، اندیشه موعودگرایی است. شاهد این ادعا دغدغه‌های قابل تأمل اندیشمند پرآوازه معاصر هانری کربن است. از جمله نتایج روشن این پژوهش، وجود نقاط مثبت و منفی در اندیشه موعودگرایی کربن است. نقاط مثبت شامل روش پدیدارشناسی است. دلیل مثبت بودن این روش آن است که ایشان در نگاه پدیدارشناسانه به موعودگرایی، به جای اثبات یا رد این موضوع یا دخالت دادن نظرات سلیقه‌ای و شخصی خود در آن، موعودگرایی را در درون نظام اعتقادی و آموزه‌های دینی و فکری اسلام بررسی می‌کند. از دیگر نقاط مثبت دیدگاه آن است که ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه له را آشکارکننده زوایای باطنی دین می‌داند. این مطلب ناظر به این حقیقت است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه له با ظهور خود، دین اسلام را از میان انبوه خرافات، تحریف‌ها، بدعت‌ها، تفسیرهای نادرست و تلقی‌های غلط و سلیقه‌ای برخی افراد خارج می‌کند. نقطه مثبت دیگر در دیدگاه کربن، تفکیک گذاشتن میان مظهر ذات خدا بودن امام عصر عجل الله تعالی فرجه له و مفهوم تجسد خداوند در مسیحیت است؛ زیرا اگر بین این دو مفهوم تفکیک نشود، ممکن است همان انحرافی که برای مسیحیت در مباحث کلامی و ایدئولوژیکی و اعتقاد به تثلیث پدید آمد برای اسلام نیز پدید آید. نقض توهمات مدعیان دروغین مانند بهائیت از دیگر نقاط مثبت اندیشه موعودگرایی کربن است. این مدعیان دروغین ابتدا خود را باب امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و به تدریج خود ایشان معرفی می‌کنند. به گفته کربن، از یک طرف رسوا شدن این مدعیان از سوی شیعیان و از طرفی اعمال امام زمان عجل الله تعالی فرجه له در هنگام ظهور، دلیلی بر رد نظرات این مدعیان دروغین خواهد بود. از نقاط منفی اندیشه موعودگرایی هانری کربن می‌توان به بی‌توجهی به اقامه عدل در رسالت امام زمان عجل الله تعالی فرجه له، بی‌توجهی به وظایف منتظران، تأثیرپذیری از نظریه عالم هورقلیا در بیان مکان و زمان زندگی امام عصر عجل الله تعالی فرجه له و استناد صرف به خطبه البیان در بحث انسان کامل اشاره کرد.



## کتاب نامه

• قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند

## منابع فارسی

- باقرنژاد، طاهره (۱۳۹۷ش). موعودگرایی در کلام امام علی علیه السلام و امام سجاد علیه السلام، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ش). تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۸۵ش). معارف و معاریف: داتره المعارف جامع اسلامی، تهران: آرایه.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۱ش). هزار و یک نکته، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حکیمیان، مسعود و همکاران (۱۳۹۷ش). پیدا و پنهان دیدگاه مستشرقان در حیطه مهدویت، دو فصلنامه علمی پژوهشی قرآن پژوهشی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، ۱۳(۲۴)، ۴۹-۶۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش). لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۳۸۶ش). مفردات الفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: سبحان.
- رجیبی، محمود (۱۳۷۹ش). انسان شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۹۳ش). مجالس المؤمنین، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- شیمل، آنه ماری (۱۳۷۶ش). درآمدی بر اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- صباغیان، زهرا (۱۳۸۵ش). موعود ادیان (مهدویت در ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام)، نشریه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، ۱۸(۶۰)، ۳۵-۳۰.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۸ش). پژوهشی درباره امام مهدی علیه السلام، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، قم: دارالصدر.
- فخاری، عبدالحسین (۱۳۸۵ش). ذهنیت متشرقین: پژوهشی در اصالت اندیشه مهدویت و نقد گفتار شرق شناسان، تهران: آفاق.
- کربن، هانری (۱۳۶۷ش). مقدمه کتاب المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح فصوص الحکم، ترجمه سیدجواد طباطبایی، تهران: توس.
- ----- (۱۳۷۷ش). تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه سید جواد طباطبایی، تهران: کویر.
- ----- (۱۳۸۴ش). مجموعه مقالات هانری کربن، «پیش داوری‌هایی درباره تشیع»، ترجمه مرسله همدانی، تهران: انتشارات حقیقت.
- ----- (۱۳۹۴ش). اسلام در سرزمین ایران؛ چشم اندازهای معنوی و فلسفی، ترجمه رضا کوهکن، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ----- (۱۳۹۱ش). چشم اندازهای فلسفی و معنوی: اسلام ایرانی؛ تشیع دوازده امامی، ترجمه ان شاء الله رحمتی، تهران: سوفیا.
- کوروز، موریس (۱۳۷۸ش). فلسفه هایدگر، ترجمه محمود نوالی، تهران: حکمت.
- مصطفوی، فرشاد (۱۳۹۳ش). بررسی و نقد آراء مستشرقان درخصوص موعودگرایی شیعی: با تأکید بر آثار و اندیشه های دکتر عبدالعزیز ساشادینا، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته شیعی شناسی-کلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- موسوی گیلانی، رضا (۱۳۸۷ش - الف). مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
- موسوی گیلانی، رضا (۱۳۸۷ش - ب). مهدویت پژوهشی از منظر سنت گرایان (با تکیه بر اندیشه سید حسین نصر)، دوفصلنامه علمی پژوهشی انتظار، ۸(۲۴)، ۵۳-۸۸.

### منابع عربی

- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق). الغدير فی الكتاب و السنه و الأدب، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ش). اصول کافی، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۴۲۲ق). الغیبه، تحقیق فارس حسن کریم، قم: انوار الهدی.

### سایت ها

- [www.dictionary.com, 2023](https://www.dictionary.com/browse/messianism) مارس «Messianism»، <https://www.dictionary.com/browse/messianism>

## COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee Family Psychology Association of Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی